

محدودیت‌های آزادی بیان؛ موجهات و مستندات

جلیل امیدي^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۱۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۷)

چکیده

آزادی بیان به معنای حق اظهار عقاید و افکار، و ابراز عواطف و احساسات به روش‌های گوناگون، از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود؛ حقی مبتنی بر کرامت ذاتی بشر که همه اولاد آدم به‌گونه‌ای برابر از آن برخوردارند. حق آزادی بیان همچون سایر حقوق و آزادی‌های فردی، در توازن با مسؤلیت اجتماعی افراد قرار می‌گیرد. موازنه حق و مسؤلیت خود به خود موجب محدودیت حقوق افراد از جمله حق آزادی بیان آنان می‌گردد. الزامات زیست‌جمعی، حفظ کرامت بشر و اصل منع ایراد ضرر به دیگران، مبانی مسؤلیت اجتماعی افراد و محدودیت آزادی‌های آنان هستند. این مبانی موجب شده‌اند تا اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، موازین اسلامی و قوانین موضوعه ملی، آزادی بیان را به نفع ارزش‌هایی دیگر مثل حقوق و آزادی‌های دیگران، مقتضیات صحیح اخلاقی، نظم اجتماعی و مصلحت عمومی محدود کنند. این مقاله به روش کتابخانه‌ای و از طریق تحلیل محتوای اسناد به بررسی محدودیت‌های آزادی بیان می‌پردازد و به سؤالی که در این زمینه مطرح است پاسخ مستدل و مستند می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: آزادی بیان، محدودیت‌های آزادی بیان، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اسناد منطقه‌ای حقوق بشر

الف) مقدمه

آزادی بیان^۱ عبارت است از توانایی فرد یا گروهی از افراد برای بیان افکار، عقاید و عواطف خود درباره مسائل مختلف، بدون مداخله و ممانعت دیگران خصوصاً بدون دخالت دولت و نهادهای وابسته به آن. به بیان دیگر آزادی بیان حقی است که براساس آن، چنانچه شهروندی بخواهد درباره موضوعی اظهارنظر کند کسی مانع وی نشود و اگر نخواهد اظهارنظر کند کسی او را وادار به چنین کاری نکند و در هر حال به خاطر استفاده یا عدم استفاده از این حق، در معرض اجبار و تهدید و تعقیب و تضییق و محرومیت قرار نگیرد. آزادی بیان وضعیتی است که در آن خود شهروندان باید درباره ارزش اظهاراتشان و لزوم طرح آنها تصمیم بگیرند نه دولت. آزادی بیان نوعاً یک حق منفی محسوب می‌شود. بدین معنا که دولت نمی‌تواند به خاطر آرا و عقاید شهروندان مانع استفاده آنان از این نوع آزادی شود. به بیان دقیق‌تر وظیفه قانونی دولت این است که علیه شهروندی که از آزادی بیان خود استفاده می‌کند، اقدامی انجام ندهد. البته هیچ‌کس هم برای انتشار نظرات چنین شهروندی موظف به کمک به او نیست. کما این‌که هیچ‌کس ملزم به گوش دادن به وی و اعلام موافقت یا مخالفت با وی یا تأیید یا رد اظهارات او نیست. استفاده از آزادی بیان، محدود به آزادی اظهارات شفاهی نیست و همه راههای القای مطلب و انتقال پیام اعم از شفاهی و کتبی و اشاری و هنری را شامل می‌شود. آزادی مورد بحث شامل انتخاب زبان هم می‌شود. به همین دلیل ممانعت از تکلم به زبان مادری نقض آزادی بیان محسوب می‌گردد.

در مشروعیت اصل آزادی بیان و انعکاس آن در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر مجادله و تشکیک نمی‌توان کرد. تقریباً در همه اسناد مرتبط با حقوق بنیادین بشر و بسیاری از قوانین اساسی کشورها تصریح شده است که افراد به دور از هر نوع تبعیض نژادی، مذهبی، جنسیتی و تمایزات دیگر و بدون ترس از مداخله دولت از آزادی بیان برخوردارند. کافی است به ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره کنیم که می‌گوید: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد. هر کس آزاد است هر عقیده‌ای را بپذیرد و آن را به زبان بیاورد. این حق شامل پذیرفتن هرگونه باور بدون نگرانی از مداخله دیگران می‌شود. شخص می‌تواند به هر وسیله که بخواهد بدون هیچ قید و محدودیت جغرافیایی درباره اطلاعات و افکار تحقیق نماید و آنها را دریافت کند و انتشار دهد». یا به بند ۲ ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی که می‌گوید: «هر کس حق آزادی عقیده و

1. freedom of speech/ freedom of expression

بیان دارد. این حق شامل آزادی تحقیق و تحصیل و ترویج هر نوع اطلاعات و افکار می‌شود؛ خواه شفاهی و خواه به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری خواه به هر وسیله دیگر با انتخاب خود وی». از نظر تاریخی گفته می‌شود آزادی بیان در سده‌های ششم و پنجم قبل از میلاد مسیح از شمار اصول دموکراسی‌های حاکم بر دولت‌شهرهای یونان باستان و از ارزش‌های مورد حمایت رومیان در دوران جمهوری بوده است. [۳۶، ص ۶۵] آنچه مسلم است این است که تنها در نیمه دوم سده هجدهم قوانین و اعلامیه‌های حقوق شهروندی به طور رسمی چنین حقی را پذیرفته‌اند. از آن جمله است اعلامیه ۱۷۸۹ حقوق بشر و شهروند فرانسه که مقرر داشته است: «هیچ کس نباید به خاطر باورها و دیدگاه‌های شخصی خود از جمله دیدگاه‌های مذهبی وادار یا ناچار به سکوت شود». یا متمم اول قانون اساسی ایالات متحده که در ۱۵ دسامبر ۱۷۹۱ دولت را از وضع قانونی که آزادی بیان را محدود کند، منع کرده است. [۳۴، ص ۴۲۲]

مشروعیت اصل آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر و حقی از حقوق اساسی شهروندان، محل مناقشه نیست. موضوع به اندازه‌ای مهم است که می‌توان گفت که امروزه آزادی بیان از معیارهای اساسی تحقق جامعه چند صدایی و دموکراتیک محسوب می‌شود؛ به نحوی که سلب این آزادی ممکن است به نقض سایر موازین حقوق بشر گردد. مطلب به اندازه‌ای طبیعی و بدیهی است که صرف نبود قانون محدودکننده آزادی بیان، وافی به مقصود محسوب می‌شود. با این همه از لحاظ نظری برای مشروعیت آزادی بیان استدلالاتی مطرح شده است که مهم‌ترین آنها چنین است اولاً آزادی بیان برای جستجو و تبیین و ترویج حقیقت ضرورت تام دارد. ثانیاً آزادی بیان از اجزا و عناصر اصلی دموکراسی است بنابراین سرکوب آزادی بیان سرکوب دموکراسی است. ثالثاً آزادی بیان حقیقی طبیعی است و رابطه‌ای حیاتی با کرامت انسان دارد و نقش تعیین کننده‌ای در بهبود سطح زندگی وی ایفا می‌کند. بر این استدلال‌ها مخاطرات و مضرات کنترل دولت بر آزادی بیان را هم می‌توان افزود. [۳۴، ص ۴۲۳] جان استوارتمیل^۱ از پیشگامان نظریه پرداز آزادی، معتقد بود که ما هرگز نمی‌توانیم به یقین بگوییم عقیده‌ای که درصد سرکوب آن هستیم عقیده باطلی است. تجربه تاریخی نشان داده که عقاید ما لغزش پذیر است. موارد و شواهد تاریخی بسیاری وجود دارد که ثابت می‌کنند ما در کشف حقیقت خطا کرده‌ایم؛ پس ممکن است در سرکوب عقیده‌ای که امروز به غلط بودن آن اعتقاد داریم، دچار اشتباه شده باشیم. حتی اگر نظری که به آن

1. John Stuart Mill.

رسیده‌ایم واقعاً درست باشد، تنها زمانی می‌توانیم از درستی آن اطمینان حاصل کنیم که در مقابل نقدها و چالش‌ها پایداری کند. وانگهی عقیده‌ای که از نقد و چالش‌پذیری دور نگاه داشته شود ممکن است به مرور زمان به یک اعتقاد خشک و مرده و فاقد استدلال تبدیل شود. [۲، ص ۵۷]

بحث قابل طرح، محدودیت‌های آزادی بیان و مبانی و موجهات آن است. تعیین حدود آزادی بیان یکی از مناقشه برانگیزترین بحث‌های حقوق بشری است. گاهی چنین القا می‌شود که گویی آزادی بیان یک نوع آزادی مطلق است و در هیچ شرایطی نمی‌توان مانع اظهارنظر افراد شد؛ هرچند این اظهارنظر با حقوق و آزادی‌های دیگران یا معتقدات و مقدسات مذهبی آنان برخورد کند یا به وجدان جمعی یا منافع مشترک شهروندان صدمه‌ای بزند. در صورتی که چنین نیست و به شرحی که خواهیم گفت نه از لحاظ نظری و نه در مقام عمل آزادی بیان نمی‌تواند مطلق باشد. در حدی که به نظر دیوید وان میل^۱ فیلسوف از نویسندگان دانشنامه فلسفی استنفورد اولین نکته‌ای که در هر بحث منطقی در مورد آزادی بیان باید به آن توجه کرد این است که این نوع آزادی باید محدود باشد. امروزه توافقی عمومی وجود دارد بر این که آزادی بیان باید حد و مرز مشخصی داشته باشد. تمامی جوامع بشری محدودیت‌هایی را بر آزادی بیان وضع کرده‌اند. دلیل ساده مطلب این است که استفاده از آزادی بیان خود به خود در رقابت با ارزش‌های دیگر قرار می‌گیرد. [۲۷، ص ۳۵۰] استدلال برخی در دفاع از آزادی بیان مطلق این است که با محدود کردن آزادی بیان عملاً روی سطح شیب‌داری قرار می‌گیریم که هر آن ممکن است ما را در دام مداخلات ناموجه دولت و اعمال سانسور و سلب آزادی بیندازد. دیوید وان میل در پاسخ می‌گوید هیچ گزینه دیگری وجود ندارد. و ما چه خواهیم و چه نخواهیم همواره و الزاماً روی سطوح شیب‌دار هستیم. استدلال سطح شیب‌دار را می‌توان به گونه‌ای دیگر هم بیان کرد تا نتیجه معکوس گردد: می‌توان این‌گونه استدلال کرد که ما هیچگاه نباید مانع دخالت حکومت شویم وگرنه در سطح شیب‌داری قرار می‌گیریم که ما را به سمت آنارشیزم و بی‌نظمی و وضع طبیعی سوق خواهد داد. [همان] جان استوارت میل معتقد به وجود نزاعی دائمی بین مطالبات آزادی‌خواهانه و مقاومت‌های حکومت به عنوان نماینده و مدافع منافع عمومی بود. اگر چه منافع عمومی را بدون آزادی‌های فردی بی‌معنا می‌دانست. به گفته میل چیزی که

1. David van Mill

زیستن را برای ما ارزشمند می‌کند اعمال محدودیت بر رفتار زیانبار دیگران است. بنابراین برخی قوانین رفتاری باید تحمیل شوند. این تحمیل در وهله اول باید توسط قوانین و در مرحله بعد یعنی در جاهایی که اعمال قانون ممکن نباشد، توسط آرا و نظرات صاحب‌نظران صورت گیرد. استانلی فیش^۱ فیلسوف و مورخ آمریکایی از دیدگاهی فایده‌گرا آزادی بیان را نه یک ارزش مستقل بلکه یک فرصت سیاسی می‌داند که ارزشش را از خوبی‌هایی که به آنها منجر می‌شود به‌دست می‌آورد. [همان] قاضی پاتریک دولین^۲ انگلیسی هم که اخلاق را عامل پنهان همبستگی اجتماعی می‌داند و لذا حمایت قانونی از چنین عاملی را ضروری می‌شمرد، قایل به لزوم محدودیت قانونی هر نوع آزادی به نفع الزامات اخلاقی بود. [۲۵، ص ۸۰] در هر حال امروزه همین اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و قوانین اساسی حامی و ضامن آزادی بیان به‌گونه‌ای رئالیستی و به دور از مناقشات نظری، محدودیت‌های متعددی برای آن ذکر کرده‌اند. در بخش بعدی بعد از بیان مبانی نظری محدودیت آزادی بیان، به‌طور مستند به ذکر جزئیات موضوع می‌پردازیم و به اصطلاح متن محور بحث می‌کنیم. متن مواد و مقررات را مبنا قرار می‌دهیم تا بحث، استنباطی و برداشت شخصی تلقی نشود.^۳

ب) مبانی و موجهات

نه به لحاظ مبانی توجیهی و نه به لحاظ مصالح و مقتضیات زیست اجتماعی، آزادی به‌طور کلی و آزادی بیان به‌طور خاص عقلاً نمی‌تواند مطلق باشد. آزادی و انواع آن از جمله آزادی بیان برای انسان در بطن و بستر اجتماع و به مناسبت زیست اجتماعی وی تعریف شده و به رسمیت شناخته شده است. زندگی اجتماعی عبارت است از همزیستی^۴ مجموعه‌ای از افراد انسانی در یک نظام هنجارمند مبتنی بر حسن تعامل و هم‌افزایی مثبت برای زیست بهتر و انسانی‌تر در شرایطی که همه از حقوق و آزادی‌های برابر برخوردار و به ارزش‌ها و هنجارهای آن نظام پایبند باشند. اگر یکی از آزادی‌ها یا آزادی یک فرد یا گروهی از افراد جامعه مطلق باشد، این مطلق‌العنانی خودبه‌خود با حقوق و

1. Stanlry Fish

2. Patrick Arthur Devlin

۳. مواد مورد استناد اسناد بین‌المللی عمدتاً از مجموعه گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر است که با همکاری مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه تهران و UNDP تنظیم و منتشر شده است و گهگاه از سایت سازمان ملل متحدی، نقل می‌شوند.

4. coexistence

آزادی‌های دیگران و هنجارها و ارزش‌های مشترک جامعه برخوردار خواهد داشت و آنها را قربانی خود خواهد کرد. بنابراین مطلق بودن آزادی از جمله نامحدود بودن آزادی بیان به معنای به هم زدن قواعد زندگی اجتماعی است و این خود نقض فلسفه تشکیل جوامع بشری محسوب می‌شود. از نظر علمی هرآنچه مبنای توجیهی و منشأ شکل‌گیری خود را نقض کند، بالملازمه خودش را نقض کرده و به همین دلیل هم کنترل آن ضروری است.

برای تبیین مبانی اجتماعی موضوع، لازم است به دلایل تشکیل هیئت اجتماع و شکل‌گیری قدرت عمومی و چرایی تن دادن انسان به زیست اجتماعی و محدودیت‌های آن اشاره‌ای داشته باشیم و پای نظریه قرارداد اجتماعی را به بحث باز کنیم. این نظریه توسط بعضی از اندیشمندان اروپایی مثل توماس هابز^۱، جان لاک^۲ و ژان ژاک روسو^۳ مطرح و مطبوع طبع دیگران هم واقع شد. به‌نحوی که در نهایت نظام‌های لیبرال دمکراسی غربی را براساس آن بنا کردند. نظریه قرارداد اجتماعی می‌گوید بشر ابتدائاً در وضعیتی موسوم به وضعیت طبیعی^۴ زندگی می‌کرده است. وضعیتی که در آن یک نهاد مقتدر به نام دولت و قواعد الزام‌کننده‌ای که همه ناگزیر از رعایت آن باشند وجود نداشته است. مثل زندگی در جنگل که جز زور و قاعده الحق^۵ لمن غلب ضابطه محدودکننده‌ای در آن وجود ندارد. به قول هابز وضعیت طبیعی به‌واسطه فقدان نهادی مقتدر، تنظیم‌گر و الزام‌کننده به نام دولت، وضعیت جنگ همه علیه همه است. این وضعیت در مجموع به نفع بشر نبود. از این‌رو اندیشه تشکیل اجتماع و تأسیس یک قدرت مرکزی نظام بخش و الزام‌کننده شکل گرفت. با این‌که معلوم بود که زندگی در قالب اجتماع و در سایه اقتدار دولت محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند ولی از آنجا که انسان بالطبع موجودی فایده‌گراست^۶ دست به موازنه هزینه/ فایده^۶ زد. نتیجه موازنه این بود که زندگی در اجتماع گرچه هزینه‌ها و محدودیت‌هایی دارد اما فواید آن خیلی بیشتر از زندگی در وضعیت طبیعی است. بنابراین از بخشی از آزادی‌های مطلق خود که در وضعیت طبیعی از آن برخوردار بود، گذشت و تن به زیست اجتماعی و اقتدار دولت داد تا از منافع زندگی جدید برخوردار گردد. این فرایند انتقالی در قالب قراردادی نانوشته به نام قرارداد اجتماعی^۷ رخ داده است. قراردادی که در آن بخشی کوچک از آزادی‌های طبیعی

1. Thomas Hobbes
2. John Locke
3. John Jack Russo
4. state of nature
5. utilitarian
6. cost/benefit
7. social contract

ناگزیر فدای بخش‌های بزرگ‌تر آن و امنیت و رفاهی می‌شود که از این راه به دست می‌آید. یکی از مبانی فکری لیبرال دموکراسی‌های غربی چنان‌که گفتیم همین قرارداد اجتماعی است که خواهی نخواهی مستلزم صرف‌نظر کردن از بخشی از حقوق و آزادی‌هاست. به نظر هابز هدف غایی انسان از تشکیل دولت در قالب قرارداد اجتماعی، قبل از هر چیز حفظ خود و سپس تأمین رفاه بیشتر و زندگی بهتر است. از نظر روسو: «انسان با قرارداد اجتماعی آزادی اجتماعی خود را به دست می‌آورد ولی آزادی طبیعی خود را از دست می‌دهد».[۳۷۹، ص ۲۰] در این قرارداد آزادی بیان که ذاتاً یک حق طبیعی است خود به خود در معرض محدودیت قرار می‌گیرد. این از لوازم لاینفک زیست اجتماعی است.

مبنای دیگر محدودیت حقوق و آزادی‌های افراد به‌طور کلی، کرامت بشر است. اسناد حقوق بشر بعضاً تصریح کرده‌اند که همه حقوق و آزادی‌های بشر ناشی از این است که وی ارزشی ذاتی و خصوصیتی مطلوب و غیرقابل انتزاع به نام کرامت^۱ دارد. کرامت را اسناد حقوق بشری تعریف نکرده‌اند ولی می‌توان گفت مفهومی است برآمده از اجتماع برخی عناصر متعالی مثل عقل، وجدان، میل به امور متعالی و فضایل اخلاقی و فاصله گرفتن از صفات و افعال حیوانی. اگر بپذیریم که همه حقوق و آزادی‌های بشر ناشی از کرامت اوست آن وقت باید بپذیریم که استفاده مطلق از آزادی از جمله آزادی بیان به معنای نقض کرامت بشر است. زیرا از سویی لازمه استفاده بلاقید از آزادی لامحاله تعرض به حقوق و آزادی‌های دیگران است و نقض حقوق و آزادی‌های دیگران در نهایت نقض کرامت آنهاست. از سوی دیگر قبول آزادی مطلق با توجه به ملازمه‌ای که با نفی حقوق و آزادی‌های دیگران دارد، به معنای رهایی شخص دارای آزادی مطلق از قید وجدان است و چنان‌که گفتیم وجدان و پابندی‌های اخلاقی از عناصر سازنده کرامت است. مطلق بودن آزادی می‌تواند به مبنای آزادی یعنی کرامت ذاتی بشر صدمه بزند. همین مطلب خود تناقضی ایجاد می‌کند که راه‌حل برون‌رفت از آن محدود کردن آزادی است. این تناقض در فرض مطلق دانستن مفاهیم و ارزشهایی چون رواداری^۲ هم رخ می‌دهد. رواداری را امروزه ارزشی متعالی و پیش‌شرط صلح و توسعه می‌دانند. ولی این به معنای تحمل باورهای منجر به نفی همزیستی مسالمت‌آمیز و شکیبایی در برابر فرهنگ‌های مخرب و مروج نارواداری نیست. از این‌رو کسانی مثل کارل پوپر در کتاب جامعه باز و دشمنان آن، گفته‌اند برای حفظ رواداری ناگزیر باید در برابر باورها و

1. dignity
2. tolerance

برنامه‌های ضد رواداری، ناروادار بود. یعنی به نام و به بهانه رواداری نمی‌توان مثلاً نژادپرستی و جنگ‌طلبی را تحمل کرد. اگر آزادی بیان مطلق باشد، می‌توان به دیگران اهانت کرد. اهانت به دیگران به لحاظ اخلاقی هم صدمه به کرامت آنهاست و هم نشانه عدم پابندی اهانت‌کننده به هشدارهای وجدانی و هنجارهای اخلاقی که گفتیم از عناصر سازنده کرامت بشر محسوب می‌شوند. به بیان دیگر اگر مبنای همه آزادی‌ها از جمله آزادی بیان کرامت بشر باشد، آزادی بیان فرع بر کرامت خواهد بود و فرع نمی‌تواند به اصل خود لطمه بزند.

مبنای دیگر، اصل ممنوعیت ایراد ضرر به دیگران^۱ است. این اصل ابتدائاً توسط جان استوارت میل در رساله درباره آزادی مطرح شده و بعدها توسط دیگر فیلسوفان حقوق مورد استقبال واقع شده است و می‌توان گفت تنها مبنا یا مبنای اصلی مداخله دولت‌های لیبرال در حقوق و آزادی‌های شهروندان محسوب می‌شود. حاصل کلام جان استوارت میل در رساله مورد اشاره این است که «تنها موردی که می‌توان بر خلاف میل یک شهروند جامعه متمدن، به گونه‌ای موجه بر وی اعمال قدرت کرد جلوگیری از ایراد آسیب به دیگران است».[۲، ص ۴۶]^۲ میل البته در مقام مهار دولت و حمایت از شهروندان در برابر سوء استفاده از قدرت، تلاش کرده است اقتدار دولت را به نفع شهروندان عقب براند. در نظریه سیاسی حقوقی وی آزادی اصل و دخالت دولت استثناست. نکته این است که همین دخالت استثنایی و اعمال قدرت بر خلاف اصل، مجوز محدود کردن حق و آزادی است. یعنی برای جلوگیری از ایراد آسیب به دیگران دولت می‌تواند در حقوق و آزادی‌های شهروندی از جمله آزادی بیان مداخله کند و آنها را به اقتضای ضرورت و البته به اندازه ضرورت محدود نماید. بنابراین از نظر لیبرال‌ترین نظریه پردازان لیبرالیزم هم آزادی بیان نمی‌تواند حقی مطلق و آزاد از هر نوع قید و بند به‌شمار آید. از نظر آنان اعمال آسیب‌زایی مانند افترا، اهانت، فحاشی، پورنوگرافی، فتنه‌انگیزی، تحریکات خلاف قانون، ترغیب به جنگ، افشای اطلاعات طبقه بندی شده، نقض حق چاپ، افشای اسرار تجاری، برچسب گذاری مواد غذایی، نقض توافق نامه‌های عدم افشای اطلاعات، نقض حق حریم خصوصی، تعرض به عزت و کرامت، نقض حق فراموش شدن، تعرض به امنیت عمومی و شهادت دروغ^۳ را نمی‌توان به نام آزادی بیان و

1. Harm to others Principle

۲. برای دیدن رابطه اصل ضرر با قانونگذاری کیفی؛ [نک: ۸، ص ۹۳].

3. libel, slander, obscenity, pornography, sedition, incitement, fighting words, classified information, copyright violation, trade secrets, food labeling, non-disclosure agreements, the right to privacy, dignity, the right to be forgotten, public security and perjury.

به بهانه استفاده از چنین حقی مجاز به شمار آورد.

چنین است که عقلای بشر ضمن به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های فردی به‌عنوان اصل، محدودیت‌ها و استثناها و شرایط و دلایل توجیهی چنین محدودیت‌هایی را هم پیش‌بینی کرده‌اند. جان استوارت میل با تاکید بر رعایت شرایط آزادی بیان می‌گوید: «کسی نگفته است که اعمال باید به اندازه عقاید آزاد باشد، به عکس وقتی اوضاع و شرایطی که عقاید در آن ابراز می‌گردد، چنان باشد که اظهار عقیده را به‌صورت نوعی (تحریک) برای انجام کاری مخل مصالح مشروع دیگران در آورد، آن وقت حتی اظهار عقاید هم مصونیت خود را از دست می‌دهد». [۲، ص ۱۴۷] منتسکیو^۱ در روح القوانين گفته است: «آزادی، انجام کاری است که قانون اجازه داده است». [۲۳، ص ۲۹۴]؛ «اگر شهروندی کاری کند که قوانین منع کرده‌اند دیگر آزادی ندارد، زیرا همنوعان یا همه دیگر شهروندان نیز همین اختیار را خواهند داشت». [۱۱، ص ۳۱۹] اسپینوزا^۲ نیز در رساله مذهبی سیاسی خود می‌گوید: «شهروندان می‌توانند حق داوری کردن و بیان آشکار داوری‌های خود را حفظ کنند به شرط آن که معارض با صلح نباشد». [۹، ص ۱۶۶] موریس دوورژه^۳ دربارهٔ چهارچوب آزادی در دموکراسی می‌نویسد: «آیا با اعطای آزادی به دشمنان آزادی، به آنها اجازه داده نمی‌شود که آزادی را در هم کوبند؟ دموکراسی به مخالفان خود اجازه بیان عقایدشان را می‌دهد؛ ولی تا وقتی که در چارچوب روش‌های دموکراتیک عمل کنند». [۷، ص ۱۳۴] دادگاه فدرال ایالات متحده آمریکا هم نظر کسانی را پذیرفته است که مفاد متمم اول قانون اساسی این کشور را به معنای مطلق بودن آزادی بیان نمی‌دانند. [۲۹، ص ۳۲۰]

ج) مدارک و مستندات

- اسناد بین‌المللی

اولین سند محدودکننده آزادی از جمله آزادی بیان، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ است و سنگ بنا یا ام‌الکتاب سایر معاهدات و پروتکل‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر محسوب می‌شود. این سند بعد از آن که اعلام می‌کند بشر در حوزه‌های مختلف مدنی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از همه حقوق و آزادی‌های مندرج در آن برخوردار است، در ماده ۲۹ تصریح می‌کند که «هر کس در

1. Montesquieu
2. Baruch Spinoza
3. Duverger

برابر جامعه‌ای که امکان رشد آزاد و کامل شخصیت او را فراهم آورده مسئول است. هرکس در اجرای حقوق و در مقام برخورداری از آزادی‌های خود تابع محدودیت‌هایی خواهد بود که قانون منحصراً به‌منظور شناسایی و تأمین احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران، تحقق مقتضیات صحیح اخلاقی، نظم اجتماعی و مصلحت عمومی در یک جامعه دمکرات کرده است. در هیچ حال نمی‌توان حقوق و آزادی‌های مذکور را به‌نحوی به‌کار برد که منافی اهداف و اصول ملل متحد باشد. یعنی همین اعلامیه جهانی حقوق بشر نه تنها اجازه داده بلکه الزام به محدود شدن آزادی از جمله آزادی بیان را پذیرفته است. می‌گوید هر کس در استفاده از آزادی‌های خود تابع محدودیت‌هایی خواهد بود که به‌وسیله قانون در چهارچوب یک جامعه دموکراتیک اعمال خواهد شد. این ماده به زبان خیلی ساده می‌گوید که از منظر اعلامیه جهانی حقوق بشر افراد آزادی بیان دارند ولی نمی‌توانند از این آزادی سوء استفاده کنند و به حقوق و آزادی‌های دیگران^۱ صدمه بزنند یا علیه الزامات صحیح اخلاقی^۲ صحبت کنند یا نظم عمومی^۳ را به هم بریزند یا رفاه عمومی^۴ را به مخاطره بیندازند.

کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶ نیز در بند ۲ ماده ۱۹ با ذکر تفصیل و توضیحاتی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بود گفته است: «هر کس حق آزادی بیان دارد». ولی بلافاصله در بند ۳ همین ماده می‌گوید: «اعمال حق مذکور در بند ۲ مستلزم مسئولیت‌های خاصی است». یعنی استفاده از آزادی مسئولیت‌هایی دارد. آزادی از آن انسان مسئول است. انسانی که در برابر آزادی‌های دیگران و ارزش‌های مشترک اجتماعی باید احساس مسئولیت کند. همین بند ۳ در ادامه می‌گوید: «و لذا ممکن است آزادی بیان تابع محدودیت‌های معینی بشود که در چهارچوب قانون و به‌منظور احترام به حقوق و آزادی‌ها و حیثیت دیگران و حفظ امنیت ملی، نظم عمومی و سلامت یا اخلاق عمومی ضرورت داشته باشد».

کنوانسیون مورد بحث با وجود این‌که در ماده ۱۹ گفته است هر کسی حق آزادی بیان دارد، در بند ۱ ماده ۲۰ تصریح کرده است: «هرگونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است». تبلیغ برای جنگ هم از اشکال آزادی بیان است ولی جامعه از مجرای قانون باید این شکل از اشکال آزادی بیان را ممنوع اعلام کند. در بند ۲ ماده ۲۰

1. rights and freedoms of others
2. just requirements of morality
3. public order
4. general welfare

نیز چنین آمده است: «هرگونه دعوت و ترغیب به ایجاد کینه و نفرت ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع است». اتفاقاتی که امروزه در برخی از جوامع غیرمسلمان علیه مسلمانان و عقایدشان می‌افتد صرف‌نظر از ابعاد و انگیزه‌های سیاسی آنها، آشکارا مشمول همین محدودیت‌ها هستند و نقض همین اسناد محسوب می‌شوند.

کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ هم دولت‌ها را مکلف کرده که آزادی بیان و حتی آزادی عقیده را به نفع اصل بنیادین برابری آحاد بشر و به زیان هر نوع طرز فکر مبتنی بر تفوق نژادی محدود کنند و هرگونه تبلیغ برای برتری نژادی را جرم‌انگاری نمایند. ماده ۴ این کنوانسیون طی چند بند چنین مقرر کرده است: «دولت‌های عضو، هر نوع تبلیغات و تشکیلاتی را که از افکار و نظریه‌های مبتنی بر تفوق یک نژاد یا یک گروه از اشخاص که رنگ یا منشأ قومی معین دارند الهام بگیرد و یا هر نوع تنفر و تبعیض نژادی را توصیه یا تشویق کند، تقبیح می‌نمایند و متعهد می‌شوند که به منظور ریشه‌کن کردن چنین تحریکات یا تبعیضاتی و به‌طور کلی برای محو هر قسم تبعیض نژادی سریعاً تدابیر لازم را اتخاذ نمایند و در این راه اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز حقوقی را که در ماده پنجم این کنوانسیون تصریح شده است مورد توجه قرار دهند. دول عاقد مخصوصاً متعهد می‌شوند که: الف) نشر هر نوع افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی و همچنین اعمال زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد و یا هر گروه که از حیث رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز بذل هر نوع مساعدت از جمله کمک مالی به فعالیت‌های تبعیض نژادی را قانوناً جرم و قابل مجازات اعلام نمایند.^۱ ب) سازمان‌ها و فعالیت‌های تبلیغاتی

۱. در سال‌های اخیر از حقی به نام حق مجازات نشدن صحبت می‌شود. این نظریه ابتدا توسط فیلسوف حقوق آقای داگلاس هوساک در کتاب تورم کیفری (Overcriminalization) مطرح شده است. بعضی چنین برداشت کرده‌اند که مجازات نشدن حق افراد است و مجازات کردن مطلقاً ممنوع است، چنین برداشتی مورد تأیید اسناد حقوق بشر نیست. آقای هوساک هم چنین منظوری نداشته است. اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای راجع به حقوق بشر دولت‌ها را مکلف کرده‌اند که بعضی از اعمال مغایر با مفاد چنین اسنادی را جرم‌انگاری کنند. لازمه جرم‌انگاری پیش‌بینی و اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری است. کما این‌که بندهای «الف» و «ب» ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی به شرحی که گفتم دولت‌ها را مکلف کرده است تبلیغات (یعنی استفاده از آزادی بیان) بر مبنای برتری‌های نژادی و ایجاد تنفر نسبت به نژاد یا گروه اجتماعی خاصی را ممنوع و جرم‌انگاری کند و برای آنها مجازات در نظر بگیرند.

متشکل و هر قسم فعالیت تبلیغاتی دیگر را که محرک تبلیغات نژادی بوده و یا آنرا تشویق نماید و عضویت در این سازمان‌ها را قانوناً جرم و قابل مجازات اعلام کنند. (ج) به مقامات مسئول یا مؤسسات عمومی مملکتی و محلی اجازه ندهند تبعیضات نژادی را ترغیب یا تشویق نمایند».

سند بین‌المللی دیگر کنوانسیون جهانی حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ است که در ماده ۱۳ می‌گوید کودکان همچون سایر افراد جامعه آزادی بیان دارند ولی این آزادی ممکن است به اقتضای ضرورت محدود گردد. در این ماده آمده است: «کودک از حق آزادی ابراز عقیده برخوردار است». حق آزادی ابراز عقیده همان آزادی بیان است. این حق شامل آزادی در جستجو، کسب اطلاع از عقاید و اظهار عقیده می‌شود به صورت کتبی، شفاهی، هنری، چاپی و به هر طریقی که کودک انتخاب کند. ولی همین ماده در بند ۲ می‌گوید ممکن است اعمال چنین حقی منوط یا محدود به محدودیت‌های خاصی گردد. این محدودیت‌ها به موجب قانون و به منظور احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی، حفظ نظم عمومی و سلامت و یا مسایل اخلاقی خواهند بود.

پیش‌تر از اینها در کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ که از قدیمی‌ترین اسناد بین‌المللی است، آمده است: «طرف‌های متعهد با در نظر گرفتن این که مجمع سازمان ملل متحد به وسیله قطعنامه شماره (۱) ۸۶ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ اعلام کرده که کشتار جمعی^۱ جنایتی است علیه حقوق بین‌الملل و برخلاف روح و مقاصد سازمان ملل و دنیای متمدن، چنین عملی را محکوم می‌کنند و با اذعان به این که در تمام دوره‌های تاریخ این عمل خسارات بسیاری به جهان بشریت وارد ساخته است و با اطمینان از این که برای رهایی بشر از چنین بلیه وحشتناکی همکاری بین‌المللی ضرورت دارد، لازم است در مراتب ذیل موافقت حاصل کنند». یکی از آن مراتب، ممنوعیت‌های مقرر در ماده ۳ است که عبارتند از ژنوسید یا کشتار جمعی، تبانی به منظور ارتکاب ژنوسید، تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب ژنوسید، شروع به ارتکاب ژنوسید و شرکت در جرم ژنوسید. اینها کنوانسیون‌های بین‌المللی هستند. دولت‌های عضو بر مبنای تعهدات ناشی از پیوستن به این کنوانسیون‌ها ملزم به مراعات چنین هنجارهایی هستند.

1. genocide

– اسناد منطقه‌ای

تا اینجا مبنا و مستند بحث اسناد بین‌المللی بود. اکنون به دو سند منطقه‌ای هم استشهد می‌کنیم. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰ در این زمینه موارد و مسایل مهمی ذکر کرده است. این کنوانسیون شاید پرکاربردترین سند حقوق بشری باشد. به این دلیل که روزانه در دادگاه‌های داخلی و دادگاه اروپایی حقوق بشر به آن استناد می‌شود و بر اساس آن آرای لازم‌الاجرای قضایی صادر می‌گردد. ماده ۱۰ این کنوانسیون بعد از این که از آزادی بیان بحث می‌کند و می‌گوید هرکس از آزادی بیان برخوردار است بلافاصله به بیان محدودیت‌های آن می‌پردازد و نشان می‌دهد که از نظر دولت‌های اروپایی محدودیت‌ها یا قیدهای آزادی بیان نسبت به محدودیت‌های مندرج در اسناد بین‌المللی بیشتر و گسترده‌تر است. کنوانسیون می‌گوید اولاً مفاد ماده ۱۰ یعنی آزادی بیان مانع از تقاضای دولت‌ها برای دریافت مجوز نشر اخبار یا فعالیت‌های بنگاه‌های تلویزیونی و سینمایی نخواهد بود. یعنی منوط کردن نشر اخبار یا فعالیت‌های تلویزیونی و سینمایی به کسب مجوز از دولت نقض مانع یا محدودیتی برای آزادی بیان محسوب نمی‌شود. ثانیاً اعمال این آزادی مسئولیت‌هایی به همراه دارد. به همین دلیل ممکن است مستلزم تشریفات باشد. یعنی در قالب‌های خاصی صورت بگیرد. همچنان که ممکن است مستلزم یا مشروط به شروط و محدود به محدودیت‌های خاص قانونی باشد. حتی ممکن است مستلزم اعمال مجازات‌هایی باشد. یعنی استفاده از آزادی بیان ممکن است جرم و مستوجب مجازات باشد. البته به درستی و برای جلوگیری از تکرار خودکامگی‌های دوران نازیسم و فاشیسم تصریح می‌کند این محدودیت‌ها و مجازات‌ها توسط قانون و در یک جامعه دموکراتیک مقرر خواهند شد. اهداف و انگیزه‌های محدودیت‌ها و جرم‌انگاری‌هایی که در اینجا برای آزادی بیان در نظر می‌گیرند در قیاس با اهداف مذکور در اسناد بین‌المللی، متعددتر هستند: حفظ منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی، امنیت عمومی، ممانعت از هرج و مرج و بزهکاری، حفظ سلامت عمومی، حفظ اخلاقیات مردم، حمایت از حقوق و حیثیات دیگران، جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه و حفظ اقتدار و بی‌طرفی نظام قضایی. متن ماده چنین است: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی در داشتن عقیده و دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید بدون دخالت مقامات عمومی و صرف‌نظر از مرزها خواهد بود. این ماده مانع از صدور مجوز برای بنگاه‌های پخش اخبار، تلویزیون یا سینما توسط دولت‌ها نمی‌شود.

استفاده از این آزادی‌ها، وظایف و مسئولیت‌هایی به همراه دارد. بنابراین ممکن است مستلزم تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها و مجازات‌هایی باشد که توسط قانون تجویز می‌شوند و در یک جامعه دموکراتیک ضروری محسوب می‌گردند. محدودیت‌هایی به منظور حفظ امنیت ملی، تمامیت ارضی یا ایمنی عمومی، جلوگیری از بی‌نظمی یا بزهکاری، محافظت از سلامت یا اخلاق، حفاظت از شهرت یا حقوق دیگران، جلوگیری از افشای اطلاعات دریافت شده و یا برای حفظ اقتدار و بی‌طرفی قضایی^۱. بنابراین نمی‌توان گفت کسی که کاریکاتور اهانت‌آمیز نسبت به مقدسات دیگران می‌کشد و توزیع می‌کند یا متون متضمن طنز و استهزا نسبت به عقاید و مقدسات دیگران منتشر می‌کند، از آزادی بیان استفاده مشروع و مجاز کرده است. زیرا چنین شخصی هم به حقوق و حیثیات دیگران تعرض کرده و هم نظم و امنیت عمومی را به مخاطره انداخته است. نه اسناد بین‌المللی و نه اسناد منطقه‌ای این‌گونه استفاده از آزادی را تجویز نمی‌کنند.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ بعد از به رسمیت شناختن آزادی اندیشه و بیان به‌عنوان حقی از حقوق بشر و تنوع راهها و ابزارهای استفاده از آن در ماده ۱۳ موارد و ضوابط محدودیت چنین حقی را برشمرده است. از نظر کنوانسیون مورد بحث استفاده از این حق مقرون به مسئولیت‌هایی است که توسط قانون به منظور تضمین حقوق و حیثیات دیگران، حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق و بهداشت عمومی تعریف می‌شود. بندهای ۴ و ۵ ماده مشارالیهها به ترتیب از محدودیت دسترسی کودکان به اطلاعات مضر به حال آنان و تبلیغ برای جنگ و تنفر مذهبی، قومی و نژادی منجر به وقوع جرم بحث می‌کند. ماده ۲۷ کنوانسیون به دولت‌های عضو اجازه داده است که در شرایط جنگ آزادی بیان را به حالت تعلیق درآورند.^۱

اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا اعلامیه قاهره مصوب سال ۱۹۹۰ نیز بعد از آن که می‌پذیرد بشر آزادی بیان دارد در ماده ۲۲ تصریح می‌کند «هر کس حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان کند». اینجا قید عدم مغایرت با اصول شرعی، ایجاد محدودیت است. حفظ مقتضیات اخلاقی، احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران، احترام به عقاید و مقدسات دیگران، بهداشت و رفاه عمومی از اصول شرعی و مصالح و مقاصد معتبر شرع محسوب می‌شوند و لذا لازم است آزادی بیان به نفع

۱. برای مطالعه تفصیلی نک: رضا کرمی، حسین شریفی طرازکوهی، محدودیت‌های حق آزادی بیان در کنوانسیون حقوق بشر آمریکا، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۴۱، ۱۳۹۸.

آنها محدود گردد. هیچ مسلمانی اجازه ندارد به مقدسات شهروندان اعم از مسلمان و غیرمسلمان اهانت کند. اهانت، تحقیر و استخفاف و نقض کرامت دیگران است و لذا خلاف اصول اسلامی محسوب می‌شود. خارج از بحث مقدسات هم شهروندان ایرانی در کشور خودشان نمی‌توانند به رؤسای کشورهای دیگر و نمایندگان سیاسی آنها اهانت کنند. موازین شرعی، معیارهای اخلاقی و مقررات کیفری ما اجازه چنین اهانت‌هایی نمی‌دهند. بعد از این به مفاد ماده ۵۱۷ کتاب تعزیرات از قانون مجازات اسلامی اشاره خواهیم کرد.

- موازین اسلامی

در منابع اولیه اسلامی یعنی قرآن و سنت، نص صریحی که آزادی بیان را حقی از حقوق بشر به‌شمار آورده باشد، وجود ندارد. ولی آیات و احادیثی هستند که از طریق دلالت‌های اشاری و التزامی وجود چنین حقی را اثبات می‌کنند. از آن جمله است آیات سوم و چهارم سوره رحمن «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» که در مقام امتنان اعطای قدرت نطق و خطاب به انسان را نعمتی الهی اعلام کرده است. یا آیه هفتاد از سوره اسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» که از کرامت ذاتی بشر خبر می‌دهد و می‌دانییم که نطق یا بیان از لوازم غیر قابل انتزاع کرامت است. اهمیت موضوع به اندازه‌ای است که مفسران قرآن افهام بالنطق و البیان را از مؤلفه‌ها یا مقومات کرامت به‌حساب آورده‌اند. [۵، ص ۵۸۶] همچنین است آیه هجدهم سوره زمر «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، آیه یکصد و پنجاه و نهم سوره آل عمران «وَشَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» و آیه سی و هشتم سوره شوری «وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» که لازمه معنا و اجرای آنها برخورداری از حق آزادی بیان است. با این همه همچون هر نظام فکری و حقوقی دیگر در اسلام نیز اصل توازن حقوق و مسؤولیت‌های اجتماعی افراد و امکان برخورد آزادی فرد با حقوق دیگران یا ارزش‌های متعالی اجتماعی، مقتضی کنترل آزادی‌های فردی به نفع دیگران و به نفع مصالح و ارزش‌های برتر اجتماعی است. از این رو بر اساس نصوص شرعی آزادی بیان، حقی مطلق محسوب نمی‌شود. محدودیت‌های چنین حقی تقریباً نظیر همان محدودیت‌های مقرر در سایر نظام‌هاست. تفاوت‌هایی البته وجود دارد از جمله این‌که در گفتمان اسلامی آزادی بیان و محدودیت‌های آن صبغه دینی، اخلاقی و

اخروی دارد و می‌توان گفت وجه دینی و اخروی کنترل آزادی بیان از وجه فقهی یا قانونی آن قوی‌تر است. قدرت نطق و خطاب چنان‌که گفتیم از عطایا و نعمات الهی محسوب می‌شود و شخص مسلمان در دنیای دیگر باید پاسخگوی کیفیت استفاده از نعمات الهی باشد. چنان‌که قرآن مجید در آیه هشتم سوره تکوین می‌فرماید: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ». یا در آیه هجدهم سوره قاف می‌فرماید: هیچ سخنی از زبان آدمیزاد خارج نمی‌شود مگر این‌که ثواب و عقاب آن به پای وی نوشته می‌شود: «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ». احادیث نبوی هم سوء استفاده از آزادی بیان را از اهم اسباب عذاب اخروی معرفی می‌کنند. از آن جمله است: «هَلْ يَكُوبُ النَّاسُ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ - أَوْ قَالَ: عَلَى مَنَاخِرِهِمْ - إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ؟» در حدیثی دیگر کمال مسلمانی در حفظ زبان از تعرض به حقوق دیگران تعریف شده است: «المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده». از دیدگاه اسلامی به‌طور کلی زبان و بیان آدمیزاد باید در دایره خیر عمل کند؛ اعم از خیر فردی و خیر عمومی. خارج از این دایره بزرگ، وظیفه انسان سکوت است و این یعنی محدودیت استفاده از آزادی بیان و حصر آن در چهارچوب همین دایره خیر: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ». [۲۴، صص ۳-۴۰] امام محمد غزالی در کتاب چهارم از ربیع مهلکات از کتاب إحياء علوم الدين سبب محدودیت استفاده از آزادی بیان را پدیده‌ای به نام آفات اللسان دانسته و تحت همین عنوان از این چند آفت یاد کرده و به شرح و بسط آنها پرداخته است: دروغ، غیبت، نیمه، ریا، نفاق، ناسزا، جدال، خودستایی، خوض در باطل، دشمنی، زیاده‌گویی، تحریف، ایذاء و هتک حیثیت. بر خلاف جوامع لیبرال در جامعه اسلامی تبلیغ علیه اسلام ممنوعیت مطلق دارد. تفاوت دیگر این‌که بر خلاف جوامع سکولار هیچ‌کس خواه مسلمان خواه غیر مسلمان اجازه ندارد به نام آزادی بیان علیه اصول و مبانی اسلام صحبت کند یا مسلمانان را به ترک اسلام و قبول ادیان دیگر دعوت نماید. این کار علاوه بر حرمت شرعی سبب تعقیب کیفری و محکومیت مرتکب می‌شود. توجه مسأله آن است که همان‌طور که بعضی از فیلسوفان و نظریه‌پردازان حقوق کیفری نظیر قاضی پاتریک دولین و جیمز استفان^۱ اخلاق متعارف را نقطه اتصال و مایه همبستگی و استحکام جامعه و وظیفه قانون را حمایت از چنین جان‌مایه‌ای می‌دانند، [۲۵، ص ۸۰]^۲ ارزش‌های

1. James Fitzjames Stephen

۲. به نظر لرد دولین اخلاق عمومی به اندازه یک حکومت مورد قبول مردم برای بقای جامعه ضروری است و سرکوب گناه به اندازه سرکوب اقدام به براندازی چنین حکومتی، وظیفه قانون است. ۳-

اسلامی هم در یک جامعهٔ مسلمان چنین نقش تعیین‌کننده‌ای بر عهده دارند. بنابراین نفی آنها به معنای دعوت به فروپاشی جامعه است و این رفتاری است که صدمهٔ اساسی به نظم عمومی و مصالح جمعی محسوب می‌شود و لذا ممانعت از آن اقدامی قابل توجیه خواهد بود. در مجموع می‌توان گفت که محدودیت‌های آزادی بیان در اسلام عبارتند از ممنوعیت تعرض به حقوق مادی و معنوی دیگران، ممنوعیت توهین به مقدسات، ممنوعیت تبلیغ علیه اسلام، حفظ ارزشهای دینی و موازین اخلاقی، حفظ منافع ملی و مصالح عمومی، پرهیز از ایجاد فتنه و آشوب و اختلافات قومی و مذهبی.

- قوانین موضوعهٔ ملی

هرجا قوانین اساسی یا عادی کشورها آزادی بیان را در ردیف سایر حقوق و آزادی‌های شهروندی پذیرفته‌اند، بر محدودیت این شکل از اشکال آزادی به نفع دیگر ارزش‌ها فردی و اجتماعی تأکید کرده‌اند. از آن جمله است قانون اساسی ایران که در اصل بیست و چهارم ضمن اعلام آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، بلافاصله عدم اخلاص در مبنای اسلام و حقوق عمومی را به‌عنوان دو قید محدودکننده ذکر کرده است. در اصل بیست و پنجم نیز سانسور و عدم مخابره و ارسال مکالمات و مکتوبات ممنوع ولی بلافاصله محدودیت‌های قانونی مستثنا اعلام شده‌اند. همین قانون در اصل چهلم قاعده ممنوعیت سوء استفاده از حق^۱ را مطرح کرده است: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خود را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». همین‌طور بر اساس اصل یکصد و هفتاد و پنجم در صدا و سیما آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

افزون بر این، نظام‌های عدالت کیفری^۲ از جمله در نظام عدالت کیفری ایران طیفی از جرایم موسوم به جرایم بیانی^۳ شناسایی شده‌اند. زبان وسیله بیان و ابزار استیفای حق

→ [نک: ۲۵، صص ۸۰-۸۱] آقای جیمز استفان نیز ضمن نقد آرای جان استوارت میل در باب آزادی معتقد است که آقای میل آموزه‌های انتزاعی انقلاب فرانسه را به‌صورت نوعی از عقاید دینی درآورده است. استفان هشدار می‌دهد که این محدودیت‌های اخلاقی و قانونی هستند که به آزادی معنا می‌دهند و استفاده از آنرا ممکن می‌سازند. از نظر ایشان تلاش برای تحمیل آزادی نامحدود، ناخواسته به زورگویی و استبداد منجر می‌شود. نک:

James Fitzjames Stephen: Liberty, Equality, Fraternity, New York: St. Martin's Press, 1983.

1. abuse of right

2. criminal justice systems

3. language crimes/ offensive expressions

آزادی بیان است. ولی سوءاستفاده از این وسیله، به واسطه برخورد با حقوق دیگران یا ارزشهای برتر اجتماعی ممکن است جرم باشد. جرایم زبانی شامل مواردی مثل اهانت، افتراء، قذف، هجو، تهدید، شهادت کذب، آزارهای کلامی نژادی، مذهبی و جنسی، تحریک به ارتکاب جرم، جریحه‌دار کردن عفت عمومی، سرقت ادبی و سخنان تنفرآمیز^۱ هستند. موضوع همه این مقررات قانونی بیان است؛ بیانی که ممنوع و مجرمانه و مستوجب تعقیب و مجازات معرفی شده است. در اینجا چند نمونه از قوانین ناظر به جرایم بیانی که از آنها نام بردیم نقل می‌کنیم. بر اساس قانون راجع به نظم عمومی^۲ کشور انگلستان: «نمایش هرگونه نوشته، نشانه یا نماد قابل مشاهده تهدیدآمیز یا توهین‌آمیز به نحوی که موجب آزار، اخطار یا اضطراب دیگری به‌شمار آید جرم است». به حکم ماده ۵۱۷ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی: «هر کس علناً نسبت به رییس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می‌شود مشروط به این که در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود». مطابق ماده ۴۹۹ مکرر (الحاقی به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، مصوب آبان ماه ۱۳۹۹): «هر کس با قصد ایجاد تفرقه یا خشونت یا تنش در جامعه یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی توهین کند یا با همان قصد و علم به ادیان الهی مصرح در قانون اساسی دشنام صریح دهد، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به تفرقه یا خشونت یا تنش شده باشد، به حبس یا جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس یا جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود».

– سوابق قضایی و شواهد عینی

ذکر چند مثال قضایی و عملی در عینیت بخشی به موضوع مؤثر خواهد بود. سوابق قضایی داخلی به اندازه کافی در دسترس هست. از این رو شواهدی از آرای قضایی انگلستان، یک رأی از دادگاه اروپایی حقوق بشر و یک نمونه عملی غیر قضایی نقل می‌کنیم. در سال ۲۰۰۱ آقای هری هاموند از بشارت دهندگان مسیحیت به دلیل بعضی از اظهاراتش تحت پیگرد قانونی قرار گرفت و در نهایت به پرداخت سیصد پوند جزای نقدی و هزینه‌های دادرسی محکوم شد. آقای هاموند گفته بود: «عیسی بخشنده صلح

1. hate speech
2. The Public Order Act 1986

است. او زنده است. کارهای غیر اخلاقی^۱ را متوقف کنید؛ همجنس‌بازی^۲ و مساحقه^۳ را تمام کنید. عیسی خداست». در سال ۲۰۱۰ هری تیلور چند کاریکاتور ضد مذهبی را در اتاق دعا و عبادت فرودگاه جان لنون در لیورپول گذاشته بود. کارتون‌ها سبب اهانت و آزدگی و نگرانی روحانی فرودگاه شدند. بنابراین او با پلیس تماس گرفت. تیلور تحت تعقیب قرار گرفت و به شش ماه حبس تعلیقی محکوم شد. در سال ۲۰۱۲ شخصی به نام باری تی چند ساعت پس از کشته شدن دو زن افسر پلیس در نزدیکی منچستر، تی شرتی پوشیده بود که در قسمت جلو عبارت «یک خوک کمتر؛ عدالت کامل» و در پشت آن جمله «یک پلیس را برای سرگرمی بکش» نوشته شده بود. وی به اتهام ارتکاب جرم موضوع بند الف از بخش چهارم^۴ قانون نظم عمومی، محاکمه و به تحمل چهار ماه زندان محکوم شد. به عقیده بعضی از صاحب‌نظران این نوع محکومیت‌ها نتیجه حاکمیت اصل ممنوعیت ایراد ضرر هستند. بدون استناد به اصل مزبور تعقیب و محکومیت متهمان ممکن نبود. [۲۷، ص ۳۵۲]

بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، در کشورهای غربی موج تبلیغ علیه اسلام و مسلمانان به راه افتاد. جریان اسلام‌هراسی را که ریشه‌ها و زمینه‌های قبلی هم داشت فعال شد و آن عملیات تروریستی را که از نظر ما مسلمانان هم محکوم بود به پای مسلمانان نوشتند. در بستر چنین وضعیتی فردی به نام مارک آنتونی از رهبران محلی حزب ملی بریتانیا^۵ در نوامبر ۲۰۰۱ و در ژانویه ۲۰۰۲ روی نمای ساختمان محل سکونت خود پوستری نصب کرده بود که در آن دو جمله نوشته شده بود: ۱. اسلام بیرون از بریتانیا. یعنی خواسته بود مسلمانان از بریتانیا اخراج شوند. ۲. به داد مردم بریتانیا برسید. یعنی مسلمانان تهدیدی برای مردم بریتانیا هستند. پس‌زمینه پوستر، تصویر برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در میان شعله‌های آتش بود و در کنار آن نماد اسلامی هلال و ستاره هم با ضربدری بر روی آن وجود داشت. این کار مورد اعتراض واقع شد و کسانی خواهان مداخله نهادهای عمومی شدند. به دستور مقامات انتظامی و قضایی پوستر برداشته شد. مارک آنتونی به‌عنوان متهم به دادگاه احضار و در نهایت محکوم شد. اتهام او تحریک به حمله عمومی علیه مسلمانان بریتانیا بود. در

1. unmorality

2. homosexuality

3. Lesbianism

4. A person is guilty of an offence if he: (a) uses towards another person threatening, abusive or insulting words or behavior.

5. BNP

کشورهای اروپایی اگر کسی در دادگاه‌های ملی محکوم شود و ادعا کند که عدالت در مورد او اجرا نشده است، اعتراض می‌کند و برای دادخواهی به دادگاه اروپایی حقوق بشر می‌رود. مارک در دادگاه اروپایی حقوق بشر به رأی مراجع قضایی انگلیس اعتراض کرده و گفته بود که به استناد ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از حق خود در آزادی بیان استفاده کرده است ولی دادگاه بریتانیا برخلاف مفاد این ماده آزادی بیان او را محدود و به‌عنوان مجرم محکوم کرده است. دادگاه اروپایی اعتراض و استدلال او را نپذیرفت و رأی مراجع قضایی کشور انگلیس را تأیید کرد. از نظر قضات دادگاه، چنین اظهاراتی حمله شدید و گسترده علیه یک گروه مذهبی از شهروندان بریتانیایی است. مارک آنتونی گفته بود به‌طور کلی مسلمانان از بریتانیا خارج شوند. مسلمانان برای مردم بریتانیا تهدید محسوب می‌شوند. از نظر قضات در پوستر موضوع پرونده، یک گروه مذهبی از شهروندان بریتانیایی بی‌جهت و به‌طور کلی به یک حمله تروریستی که توسط چند شخص خاص صورت گرفته است پیوند خورده‌اند. پوستر می‌خواهد بگوید همه مسلمانان تروریست هستند و در آن جنایت تروریستی نقش داشته‌اند. مفاد پوستر با ارزش‌هایی چون رواداری، صلح و آشتی ملی و عدم تبعیض در تضاد است. دادگاه اروپایی به‌طور ضمنی می‌گوید این ارزش‌ها بر آزادی بیان مقدمند.

از میان شواهد عینی غیرقضایی به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم. رئیس‌جمهور وقت آمریکا آقای دونالد ترامپ با وجود این‌که انتخابات سال ۲۰۲۰ را باخته بود حاضر به قبول شکست نبود و در شبکه‌های اجتماعی اظهارات خلاف قانون و تحریک‌آمیز می‌کرد. همین اظهارات در ششم ژانویه ۲۰۲۱ منجر به حمله طرفداران جمهوریخواه وی به ساختمان کنگره آمریکا و مرگ پنج نفر شد. تحریکات آقای ترامپ و تحریکات طرفداران او حمله به دموکراسی به حساب آمد. به همین دلیل بعضی از شبکه‌های اجتماعی مثل توئیتر و فیسبوک در هشتم ژانویه حساب کاربری او را بستند؛ به رغم این‌که متمام اول قانون اساسی آمریکا وضع قوانین ناقض آزادی بیان را ممنوع اعلام کرده بود. آقای ترامپ و طرفداران وی چنین اقدامی را سلب آزادی بیان می‌دانستند. ولی از نظر شبکه‌های مذکور دموکراسی، نظم عمومی و جان انسان‌ها ارزش‌هایی برتر از آزادی بیان محسوب می‌شدند. خصوصاً در شرایطی که بیم آن می‌رفت که ادامه اظهارات تحریک‌آمیز ترامپ، در بیستم ژانویه ۲۰۲۱ روز برگزاری مراسم تحلیف و انتقال

قدرت به آقای جو بایدن، منجر به وقایع زیانبارتری گردد.^۱ فیسبوک در ماه ژوئن همان سال تعلیق حسابهای آقای ترامپ را در این رسانه و در اینستاگرام برای مدت دو سال دیگر تمدید کرد. مدیران فیسبوک اظهارات ترامپ را همچنان نقض شدید مقررات خود اعلام کرده‌اند.^۲ در نمونه‌ای دیگر در شهر نشویل در ایالت تنسی از ایالات متحده آمریکا یک مغازه کلاه فروشی در تبلیغات خود علیه واکسن کووید نوزده، از نماد ستاره زرد استفاده کرده بود. ستاره زرد وصله‌ای بود که به حکم نازی‌ها یهودیان مجبور به دوختن آن بر روی لباس خود بودند. فروشگاه در یک پست اینستاگرامی که مجبور به حذف آن شد، گفته بود هر یک از این وصله‌های زرد رنگ را که به شکل ستاره شش پر بودند و روی آنها نوشته بود: «من واکسن نزد»، پنج دلار می‌فروشد. عمل فروشگاه مورد اعتراض و محکومیت قرار گرفت. معترضان روز بیست و نهم ماه می سال ۲۰۲۱ در مقابل فروشگاه تظاهرات کردند. از نظر آنان اقدام صاحب فروشگاه توهین به یهودیانی بود که در دوران نازی‌ها کشته شده بودند. تظاهرکنندگان تابلویی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: «در نشویل هیچ‌کس نازی نیست». لوری رایس، خاخام محلی به ایستگاه تلویزیونی نشویل گفت: «استفاده از ستاره زرد یا هر تصویر مشابه دیگر به خاطره شش میلیون یهودی که به‌طور سیستماتیک در جریان هولوکاست کشته شدند، صدمه می‌زند». صاحب مغازه در پست بعدی عذرخواهی کرد و نوشت: «قصه ندارد ستاره داوود را بی‌اهمیت جلوه دهد یا به آنچه برای میلیون‌ها نفر اتفاق افتاده بی‌احترامی کند».^۳

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آزادی بیان یک ارزش است. حقی است از حقوق طبیعی و بنیادین بشر و مبتنی بر کرامت ذاتی او؛ فارغ از هر نوع مذهب، نژاد، قومیت، ملیت، جنسیت، موقعیت اجتماعی، ثروت و فقر. هر انسانی از آزادی بیان برخوردار است. ولی از آنجا که آزادی در بستر زندگی اجتماعی و در کنار ارزش‌های مشترک و حقوق و آزادی‌های دیگران تعریف می‌شود، اگر یکی از آزادی‌ها طوری استیفا و اعمال شود که به بقیه ارزش‌ها و آزادی‌ها صدمه بزند، طبیعی است که باید محدود شود. زندگی اجتماعی آوردگاه برخورد حقوق و آزادی‌ها و عرصه موازنه مصالح عمومی و آزادی‌های فردی است. منظومه آزادی و حقوق

1. CBS News. January 7, 2021. Retrieved January 9, 2021.

2. <https://www.bbc.com/news/world-us-canada-57365628-/2021/june/4>

3. <https://www.bbc.com/news/world-us-canada-57297902-/2021/may/30> - <https://www.theguardian.com/us-news/2021/may/30>

شهروندی چه در سطح بین‌المللی، چه در سطوح منطقه‌ای و ملی منظومه‌ای متناظر و متکامل است و باید از همدیگر حفاظت دو سویه کنند. بدون این موازنه و محافظت دو سویه آنچه رخ می‌دهد سوء استفاده از حق و آزادی است. اگر قرار باشد افراد به نام یا به بهانه استفاده از آزادی متقابلاً به حقوق یکدیگر تعرض کنند، آزادی معنایی نخواهد داشت. این نحوه استفاده از آزادی نوعی رجعت به وضعیت طبیعی و دوران ماقبل قرارداد اجتماعی است. دورانی که هابز از آن به دوران جنگ همه علیه همه یاد می‌کرد. یک مثل حقوقی در این باره می‌گوید: هر جا سوء استفاده از حق آغاز شود همانجا خود حق به پایان می‌رسد.^۱

چنان‌که امام محمد غزالی گفته است: «هر آنچه از حد خود بگذرد به ضد خود تبدیل می‌شود». آزادی بیان یا هر آزادی دیگری از حد که بگذرد به ضد خود یعنی به نقض آزادی و نفی مبنای آزادی که کرامت بشر است منتهی می‌شود. آنچه به ضد خود تبدیل شود و به مبانی و موجهات خود آسیب بزند منطقاً باید محدود و ممنوع گردد. از این رو اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و قوانین موضوعه کشورها محدودیت آزادی بیان و حتی قابلیت جرم‌انگاری بعضی از صورت‌های سوءاستفاده از آن را به رسمیت شناخته‌اند. البته در چهارچوب قانون؛ قانونی منصفانه، متوازن و شفاف که توسط قانونگذاری معتقد به کرامت، آزادی، برابری و حقوق شهروندی و برخوردار از دانش و تجربه و هنر جمع بین آزادی‌های فردی و ارزش‌های اجتماعی، تقریر شده باشد. اگر شهروندان نمی‌توانند از حق آزادی بیان سوءاستفاده کنند، مقامات عمومی هم نمی‌توانند در مقام کنترل آزادی بیان و اعمال محدودیت‌های آن از اختیارات خود سوء استفاده نمایند. اولی را قاعده ممنوعیت سوء استفاده از حق^۲ و دومی را دکترین ممنوعیت سوء استفاده از اختیارات،^۳ کنترل می‌کند. چنین است که قانون اساسی ایران مقرر داشته که هیچ‌کس حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال و تمامیت ارضی کشور خدشه وارد کند و در همان حال گفته است هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین سلب کند.^۴

1. Right ends where abuse begins.

2. abuse of right

3. ultra vires/beyond of power

۴. به حکم ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی: هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

منابع

- [۱]. القرآن الکریم
- [۲]. استوارت میل، جان (۱۳۸۸). درباره آزادی، ترجمه محمود صناعی، تهران، روشنگران.
- [۳]. اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا اعلامیه قاهره مصوب سال ۱۹۹۰
- [۴]. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸
- [۵]. البیضاوی، ناصرالدین (۱۴۳۴). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دارالمعرفة.
- [۶]. پوپر، کارل (۱۳۹۶). جامعه باز و دشمنان آن. ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، خوارزمی.
- [۷]. دورژ، موریس (۱۳۷۶). جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۸]. روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۹). اصل ضرر در جرم‌انگاری، دانشنامه سیاستگذاری حقوقی، معاونت حقوقی رئیس جمهور، تهران.
- [۹]. ژولی، ساداژاندرون (۱۳۸۲). تساهل، ترجمه عباس باقری، تهران، نشر نی.
- [۱۰]. شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۸۰). حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- [۱۱]. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۷). تاریخ فلسفه سیاسی غرب، تهران، وزارت امور خارجه.
- [۱۲]. الغزالی، ابوحامد (۱۴۳۲). احیاء علوم الدین، جدة، دارالمنهاج.
- [۱۳]. قانون اساسی ایران مصوب ۱۳۶۸-۱۳۵۸
- [۱۴]. کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵
- [۱۵]. کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶
- [۱۶]. کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۲۱ دسامبر ۱۳۶۵
- [۱۷]. کنوانسیون جهانی حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹
- [۱۸]. کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸
- [۱۹]. کرمی، رضا؛ شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۸). محدودیت‌های حق آزادی بیان در کنوانسیون حقوق بشر آمریکا، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۴۱.
- [۲۰]. کلی، جان (۱۳۸۲). تئوری حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، تهران، طرح نو.
- [۲۱]. متمم اول قانون اساسی ایالات متحده، ۱۵ دسامبر ۱۷۹۱
- [۲۲]. مرکز مطالعات حقوق بشر (۱۳۸۲). گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- [۲۳]. منتسکیو (۱۳۹۶). روح‌القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر.
- [۲۴]. ناصف، منصور (۱۹۸۸). التاج الجامع لأصول الأحادیث، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- [۲۵]. هارت، هربرت (۱۳۸۹). آزادی، اخلاق، قانون، ترجمه محمد راسخ، تهران، طرح نو.
- [26]. American Convention on Human Rights, 22 November, 1969.
- [27]. David van Mill: Freedom of speech, Stanford Encyclopaedia of Philosophy (SEP), Stanford university, 1995
- [28]. European Convention on Human Rights, 4 November 1950
- [29]. Emerson, Thomas: freedom of speech, Columbia Encyclopaedia. Columbia University, 1963.

- [30]. <https://www.bbc.com, world-us-canada-57297902-/2021/may/30>
- [31]. <https://www.the-guardian.com/us-news/2021/may/30>
- [32]. <https://www.cbsnews.com. 2021/ January/9>
- [33]. James Fitz James Stephen: Liberty, Equality, Fraternity, New York: St. Martin's Press, 1983.
- [34]. Jones, Peter, Freedom of speech, Rutledge Encyclopaedia of Philosophy (REP), edited by Edward Carig, Oxford, 1998.
- [35]. U.K Public Order Act 1986.
- [36]. Raaflaub, Kurt; Ober, Josiah; Wallace, Robert: Origins of democracy in ancient Greece, University of California Press, 2007.

